

زبان و هویت در گفتگوی با پتر هانتکه

پتر هانتکه نویسنده معروف اتریشی است که جایزه معتبر ادبی و ۵۰ هزار یورویی (۶۳ هزار دلاری) هاینریش هاینه در سال ۲۰۰۶ به او تعلق یافته است. جایزه هاینریش هاینه یکی از سه جایزه مهم ادبی آلمان به شمار می‌رود. از جمله آثار مهم این نویسنده ۶۳ ساله می‌توان به «اهانت به جمع» و «ترس دروازه‌بان از ضربهٔ پنالتی» اشاره کرد. هانتکه از دوستان صمیمی و هموطن «الفریده یلینک» نویسنده برنده جایزه نوبل است و بسیاری از منتقدان و مطبوعات ادبی جهان او را نیز مستحق دریافت جایزه نوبل ادبیات می‌دانند. او در ماه مارس در مراسم خاکسپاری «اسلوبودان میلوشوویچ»، رهبر سابق یوگسلاوی که جنایات زیادی را مرتکب شده بود، حضور یافت و سخنرانی‌اش در این مراسم خشم بسیاری از هواداران او را برانگیخت تا آنجا که بر سر اعطای جایزه هاینه به وی غوغایی به پا شد و او مجبور شد جایزه را پس دهد، به همین مناسبت «دبورا سولومون» خبرنگار نیویورک تایمز با او گفت و گویی کرده که روز دوم ژوئیه ۲۰۰۶ (۱۱ تیر ماه ۱۳۸۵) در این نشریه منتشر شده است.

- به عنوان یکی از برجسته‌ترین رمان‌نویسان و نمایشنامه‌نویسان اروپا به ما بگویید چه کار کرده‌اید که بسیاری از هواداران و عشاق سینه چاک کتابهایتان این روزها این قدر از شما عصبانی شده‌اند و این همه سر و صدا راه انداخته‌اند؟

فکر می‌کنم این قضیه به این برمی‌گردد که من با برگزارکنندگان مراسم خاکسپاری میلوشوویچ در زادگاهش در صربستان همکاری کردم.

- بله، دقیقاً همین طور است. شما در ماه مارس در آن مراسم سخنرانی هم کردید، اما چرا در مراسم خاکسپاری کسی شرکت کردید که در حین محاکمه به خاطر جنایاتش در جنگ مرد؟

من فکر می‌کنم میلوشوویچ بیشتر انسانی تراژیک بود، او قهرمان نبود، اما تراژیک بود. من هم نویسنده‌ام و قاضی نیستم. عاشق یوگسلاوی هم هستم، آن قدرها به صربستان علاقه ندارم، اما عاشق یوگسلاوی‌ام و دلم می‌خواست در مراسم سقوط کشور محبوبم شرکت کنم. این یکی از دلایلی بود که من در آن مراسم شرکت کردم.

- چرا این قدر به یوگسلاوی علاقه دارید؟

من اتریشی هستم، اما مادرم اسلوانیایی است، برادر او در فاصله جنگ اول و دوم جهانی در یوگسلاوی پارتیزان بود و وقتی هیتلر با اتریش متحد شد، دایی‌ام که اتریشی بود مجبور شد در ارتش نازی خدمت کند. او سالها پیش در روسیه کشته شد و داستانهایی که مادرم درباره برادر کشته شده‌اش می‌گفت، نقطه شروع نوشتن من شد. این نقطه شروع در سنین کودکی‌ام برایم پیش آمد.

- از قضیه انجمن تئاتر ملی فرانسه هم خبر دارم که اجرای نمایش شما را در این کشور لغو کرده است.

بله، دقیقاً همین طور است. این هم به خاطر شرکت من در مراسم خاکسپاری میلوشوویچ بر سرم آمد.

- درباره جایزه هاینریش هاینه چه می‌گویید؟ جایزه ۶۳ هزار دلاری معتبری که دولت آلمان به شما اعطا کرد و اخیراً آن را به شهر دوسلدورف آلمان برگردانده‌اید؟ این یکی دیگر خیلی عجیب بود. سیاستمداران آلمانی احساس کردند که من مستحق دریافت این جایزه نبوده‌ام و سر و صدای زیادی به پا شد. بالاخره تصمیم گرفتم بگویم جایزه‌تان مال خودتان. غائله هم ختم به خیر شد!

- بدون آن جایزه از نظر مالی به مشکل بر نمی‌خورید؟

خب باید ببینیم. اگر شما چیزی برایم بفرستید بد نیست.

- رمان بعدی شما کی به آمریکا می‌رسد؟

تا چند ماه دیگر. ترجمه این رمان خیلی مشکل است. اسمش این است: «گم شدن تصویر». یک رمان قرون وسطایی درباره دنیای معاصر است. قهرمانش هم یک بانکدار زن است که خودش را در کوه‌های اسپانیا به دست فراموشی می‌سپارد.

- اغلب منتقدان شما را رمان‌نویس و نمایشنامه‌نویس پیشرو می‌دانند.

من؟ نه، اصلاً من نویسنده کلاسیکی هستم. در واقع یک نویسنده کلاسیک محافظه‌کار!

معنی این که گفتید چیست؟

کلی هوا، کوران برف و نسیم تابستانی در کتاب‌هایم هست.

- اما در بهترین اثر شما کمتر اثری از ناتورالیسم دیده می‌شود. منظورم «غمی در ماورای رؤیاهای» است که اخیراً دوباره در آمریکا تجدید چاپ شده است. منتقدان این کتاب اغلب گفته‌اند که کتاب بسیار زیبایی است، اما فاقد طرح خاصی است. خب، من اهل این جور کارها نیستم.

- در واقع اهل سیاست هم نیستید. در سال ۱۹۶۶، در همایش دانشگاه پرینستون که امروز ما از آن به عنوان همایشی تاریخی یاد می‌کنیم، شما به گونتر گراس و هایفریش بل حمله کردید و گفتید که آنها رمان را با تبدیل آن به نوعی نقد اجتماعی خوار و خفیف کرده‌اند.

بله، اما من در رمان‌هایم هیچ وقت این کار را نمی‌کنم. حتی حالا هم این کار را نمی‌کنم. زبان، زبان است و برای بیان عقاید نیست.

پس زبان به چه دردی می‌خورد؟

مسئله همین است! این سؤال بزرگی است و هیچ پاسخی برای آن وجود ندارد. زبان فقط در آثار بزرگ همچنان زبان باقی مانده و هویت خود را حفظ کرده است.

- مگر ما الان از زبان در همین گفت و گویمان استفاده نمی‌کنیم؟
واقعی‌ترین مکالمه برای من زمانی است که تنها هستم و چیزی می‌نویسم.

- فکر می‌کنید مکالمه بین دو نفر می‌تواند به هر چیزی ربط پیدا کند؟
مسلماً. اما باید حواستان باشد که این یک بازی است. این مکالمه در لحظه‌ای می‌تواند خیلی حساس و جدی شود، اما همان طور که مثل بازی شروع شده، باید مثل بازی هم تمام شود.

- در اغلب دوره‌های جایزه نوبل ادبیات شما به عنوان کاندیدای این جایزه در نظر گرفته شده‌اید. بردن این جایزه برایتان اهمیت دارد؟
وقتی جوانتر بودم برایم اهمیت داشت. حالا فکر می‌کنم بعد از سخنرانی‌ام در یوگسلاوی دیگر ماجرای این جایزه برای من تمام شده و آن را به من نمی‌دهند.

- مگر چند سال‌تان است؟

دسامبر، ۶۴ سالم می‌شود مثل پل مک کارتی.

- پس هنوز خیلی جوانید.

نه، نه...

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

انتشارات زوار منتشر کرده است:

- سیرالملوک / ابوعلی حسن بن علی طوسی / دکتر محمد استعلامی / ۳۳۶ ص / ۳۸۰۰ تومان
- فن نثر در ادب پارسی / دکتر حسین خطیبی / ۶۳۸ ص / ۳۷۰۰ تومان
- سیر خط کوفی در ایران / دکتر علی ایمانی / ۴۰۸ ص / ۴۵۰۰ تومان
- تاریخ فلاسفه ایرانی از آغاز اسلام تا امروز / دکتر علی اصغر حلبی / ۷۶۸ ص / ۷۰۰۰ تومان
- ذره و خورشید / دکتر داریوش صبور / ۵۴۰ ص

انتشارات زوار - تهران - خیابان ۱۲ فروردین - نبش سزاوار - تلفن: ۶۶۴۶۲۵۰۳